

بسمه تعالی

واکاوی تمدن اسلامی ایرانی و علل و عوامل رشد و افول آن در مقاطع مختلف تاریخی

فهیمة عدالت پناه

چکیده

دیرزمانی است که در این سرزمین نیاکان من و تو ساکن اند. نسل اندر نسل کاشتند و درو کردند و ساختند و هنر آفریدند. بسیار زمان ها مورد چپاول اقوام دور و نزدیک قرار گرفتند، مقاومت کردند، شکست خوردند و از نو تلاش خویش را افزون نمودند. پدران ما فراوان اشتباه نمودند، بسیار فریب خوردند، در دام آرزوهای بی فرجام گرفتار آمدند، اما نه از پا ایستادند و نه دست از حرکت کشیدند. نسل بعد عبرت گرفت، راهی نو و تجربه ای جدید را برپا نمود. هرکس و هر زمان دستاوردی تازه بر جای گذاشت و میراث تجربه بشری را غنا بخشید. ایرانیان به چند چیز معروف هستند: هنر بسیار درخشان، فرهنگ و بناهای باستانی، سرزمین چهارفصل با منابع غنی، ساختار و جامعه ای کاملا مذهبی و هوش و خلاقیت مردمانش. این سرزمین همواره دستخوش هجوم و غارت های پیاپی قرار گرفته است، اما هیچ گاه هیچ قوم مهاجمی تاب مقاومت نیاورده و پس از چندی قوم غالب مجذوب فرهنگ کهن ایرانی گردیده و حتی فرهنگ ایرانی را ترویج داده است. ایرانیان تنها مردمانی از جهان اسلام هستند که بیش از همه در ترویج اسلام و ترویج دستاوردهای علمی و فرهنگی و تمدنی آن کوشیدند و هیچ گاه هم زبان کهن خویش را رها نمودند. ما وارث تمدنی کهن با ریشه هایی بسیار دور هستیم. امروزه فرهنگی تازه از اقصای دور، از آنسوی دریاها به ما هجوم آورده است. غرب و فرهنگ غربی همه چیز را دگرگون می خواهد. اما این بار هم این هجوم ناشی از ضعف خود ماست چنانکه مغولان زمانی پیروز شدند که سالیانی طولانی درگیر نزاع ها و خصومت های خانگی بودیم هر چند که مهاجمان هنرها و ابزارهای قدرت تازه ای نیز فراهم آورده اند، اما می توان با تکیه بر فرهنگ کهن و غنی ایرانی-اسلامی این مرز و بوم بر این هجوم تازه نیز چیره گشت. به امید آن روز.

کلیدواژه: تمدن کهن، هجوم، غارت، بناهای باستانی، سرزمین

مقدمه

هنگامی که سخن از تاریخ ایران می‌رود، باید به این نکته توجه داشت که آیا منظور تاریخ اقوام و مردمانی است که از آغاز تاریخ تا کنون در مرزهای سیاسی ایران امروزی زیسته‌اند یا تاریخ اقوام و مردمانی است که خود را به نحوی از انحاء ایرانی می‌خوانده‌اند و در جغرافیایی که دربرگیرنده ایران امروز و سرزمین‌هایی که از دیدگاه تاریخی بخشی از ایران بزرگ (ایران‌شهر) بوده‌است زیسته‌اند. ایران گاه تاریخ ایران را از ورود آریایی‌ها که نام ایران نیز از ایشان گرفته شده‌است، به فلات ایران آغاز می‌کنند. ولی این به این معنی نیست که فلات ایران تا پیش از ورود ایشان خالی از سکنه یا تمدن بوده‌است. پیش از ورود آریاییان به فلات ایران تمدن‌های بسیار کهنی در این محل شکفته و پژمرده شده بودند و تعدادی نیز هنوز شکوفا بودند. برای نمونه تمدن شهر سوخته در سیستان، تمدن عیلام در شمال خوزستان، تمدن جیرفت در کرمان، تمدن تپه سلیک در کاشان، تمدن اورارتو در آذربایجان، تمدن تپه گیان در نهاوند و تمدن مانناییان در کردستان و آذربایجان، تمدن کاسی‌ها در لرستان ذکر می‌شود. نکته مهم دیگر شناخت وضع مناطق داخلی ایران در زمان شکل‌گیری و رواج تمدن‌های کهن است. یعنی فهم اینکه در زمان تمدن‌ها و دولت‌های باستانی: سومر، کلد، اور، بابل، آشور، اورارتو و نظائر آن، وضع این مناطق داخلی فلات ایران، که مجزا از منطقه مستقیم تحت حاکمیت این تمدن‌ها و دولت‌ها بوده‌است، به چه نحوی جریان داشته‌است؟

بیان مسئله

تا پیش از سده نوزدهم کنش اجتماعی عمده‌ای در ایران علیه سیاست‌های حاکمان صورت نمی‌گرفت. فرمانروایان در ایران دارای قدرت مطلقه و «فره ایزدی» بودند و با القابی مانند «سایه خدا بر روی زمین» توصیف می‌شدند بر خلاف تاریخ اروپای غربی (و شاید ژاپن) اشرافیت ریشه دار و مستقل که توانایی مهار قدرت مطلقه پادشاهان را داشته باشند در ایران شکل نگرفته بود. (استبداد شرقی) در نتیجه این استبداد و توانایی ضبط و تصرف بی ضابطه اموال و نبود امنیت برای مالکیت خصوصی فرایند انباشت سرمایه در ایران به وجود نیامده بود. اما در طول سده نوزدهم و به طور عمده نیمه دوم آن، افزایش فزاینده حجم تماس‌ها با اروپا - اعم از مراودات بازرگانی و برخوردهای نظامی و نقل و انتقال سفیر - و به دنبال آن آشنایی هرچه بیشتر گروه‌هایی از مردم با نهادها و ابزارهای مدنی مدرن و شیوه‌های دیگر کشورداری و مفاهیم نو مانند «ملت» و وظایف متقابل دولت و ملت، تحزب و... باعث شکل‌گیری جامعه مدنی و افزایش مطالبات ملت از حاکمیت برای اصلاح شد. آغا محمدخان پس از

نزدیک به دو دهه لشکرکشی بی وقفه در سال ۱۱۶۱ خورشیدی/۱۷۹۵ میلادی، در تهران تاج‌گذاری کرد و بدین ترتیب دودمان قاجار تاسیس شد. قاجارها از لحاظ چگونگی به قدرت رسیدن و همچنین خاستگاه چادرنشینی خود تفاوت چشمگیری با بخش عمده دودمان‌های پیش از آن از جمله افشارها و زندیان نداشتند اما بر خلاف دو سلسله پیشین که به سرعت پس از مرگ بنیانگذار آن مضمحل می‌شدند، توانستند نزدیک به یک و نیم سده بر مصدر قدرت باقی بمانند برای ریشه‌یابی این واقعیت می‌توان به موضوعاتی مانند: بهره‌برداری آگاهانه و عمدی قاجارها از تمایزهای اجتماعی فراوان موجود در جامعه ایران سده نوزدهم همانند درگیری حیدری-نعمتی در شهرها و رقابت‌های ایللیاتی و طایفه‌ای در خارج از آن، تعامل متقابل با روحانیان برجسته، تأیید و پشتیبانی دولت‌های بزرگ غربی از دودمان قاجار اشاره کرد. پایان کار دودمان قاجار و تصرف تدریجی قدرت به دست رضاشاه تحولی اساسی را در ساختار دولت، بوروکراسی و اعمال حاکمیت بر مناطق دور از پایتخت به وجود آورد که تا پیش از آن سابقه نداشت. رضاشاه شالوده‌دولتش را بر دوپایه ارتش و بوروکراسی پایه‌گذاری کرد که اولی در دوران حکومت وی تا ده برابر و دومی هفده برابر رشد کردند.

ما در این مقاله سعی کردیم تا تمامی تحولات تاریخی ایران را مورد بررسی قرار دهیم و به چراهای تاریخی پاسخ دهیم و مجهولات را به معلوم تبدیل کنیم.

مرور ادبیات و پیشینه موضوع در داخل و خارج کشور

استفاده از کتاب "تاریخ صدر اسلام" که درباره تحولات تاریخی اتفاق افتاده در صدر اسلام کندو کاو می‌کند اثر غلامحسین زرگری نژاد، در این مقاله نیز از کتاب "تاریخ ایران بعد از اسلام" اثر زرین کوب نیز استفاده شده و در بررسی تاریخ در جامعه اسلام از کتاب "تاریخ جوامع اسلامی" اثر لاپیدوس نیز استفاده شده است. و نیز از کتاب "تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران" نوشته حسین میر جعفری نیز در این مقاله استفاده شده است.

ایران معاصر و جنبش‌های اجتماعی

اگرچه تا پیش از قرن نوزدهم سلسله‌های گوناگون حاکم بر ایران همانند دیگر کشورهای آسیایی با برخی دولت‌های غربی مانند ونیز، انگلستان، روسیه (نیمه غربی)، پرتغال، اسپانیا، هلند و... تماس‌ها و مراوداتی-اعم از خصمانه و یا دوستانه- داشتند؛ اما وجه تمایز میان این تماس‌ها در سده نوزدهم میلادی با سده‌های پیشین، افزایش چشمگیر حجم آن‌ها و نیاز روزافزون کشورهای اروپایی به مواد خام دیگر مناطق جهان بود. وقوع انقلاب صنعتی در اروپا کشورهای توسعه یافته این قاره را به صادرکننده عمده کالاهای صنعتی با قیمتی نازل تر از

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

کالاهای بومی مبدل کرده بود که این امر تأثیرات اجتماعی و سیاسی زیادی به دنبال داشت. سیطره اقتصادی کشورهای صنعتی، بازرگانان محلی و پراکنده را برای نخستین بار در قالب طبقه‌ای با منافع مشترک یکپارچه کرد. این طبقه به دلیل پیوندهایش با روحانیون در جنبش‌های آینده طبقه متوسط سنتی نام گرفتند.

در کنار این طبقه، گروه اجتماعی جدیدی با نام «منورالفکران» در ایران شکل گرفتند که از طرق گوناگون مانند سفر یا مهاجرت به کشورهای توسعه یافته غرب و یا نواحی کمتر توسعه یافته که در عین حال جلوتر از ایران بودند مانند قفقاز، هندوستان و... با دنیای جدیدی به غیر از دنیایی که تاکنون در آن زندگی می‌کردند آشنا شدند. شکست‌های نظامی پی در پی ایران از روسیه تزاری و سپس بریتانیا و تجزیه ایالات ثروتمند قفقاز و پس از آن تحمیل قراردادهای امتیازات نامنصفانه بازرگانی و کاپیتولاسیون و نقض حاکمیت ملی ایران نیز فکر ایجاد تغییر و تحول و اصلاحات را در گروهی از سیاستمداران و روشنفکران و روحانیان ایران ایجاد کرد.

اوضاع اقتصادی ایران در زمان قاجار

کشور ایران در عصر قاجار از لحاظ اقتصادی اوضاع آشفته‌ای داشت که بخشی از آن به نظام استبدادی باز می‌گشت که نظام اقتصادی را نیز به صورت خانجانی، تیولداری و اقطاع‌داری اداره می‌کرد. بر این اساس کشور به بخش‌های نیمه مستقلی تقسیم شده بود که در آن خان‌ها می‌توانستند راه‌های تجاری را ببندند، از کاروان‌ها باج بگیرند و بدین ترتیب موانع رشد و پیشرفت تجاری را فراهم سازند. در این سیستم که تضعیف حکومت مرکزی، مساوی با استقلال بیشتر بخش‌های نیمه مستقل بود، ایران به صورت کشوری عقب‌مانده و مبتنی بر محصولات کشاورزی درآمدی بود که بیش از ۸۰ درصد جمعیت آن در روستاها و ایلات براساس نظام ارباب - رعیتی به سر می‌بردند. بر اساس این نظام که زمین‌داران بزرگ بهره‌ناچیزی از سهم تولیدات کشاورزی خود را به رعیت می‌دادند، راه‌های تولیدات فراوان اقتصادی و پیشرفت نیز سد می‌گشت؛ چرا که گردش آزاد سرمایه وجود نداشت و اقتصاد کاملاً جنبه معیشتی یافته بود. این وضع نابسامان در کشاورزی، وقتی با مالیات‌های مضاعف و ظلم و ستم‌های فراوان همراه می‌شد، شکل بسیار اسفباری را در روستاها ایجاد می‌کرد در واقع بی‌عدالتی‌های اقتصادی، فاصله طبقاتی، کاهش دستمزد کارگران و تنزل ارزش پول که در نارضایتی اقتصادی مردم مؤثر بودند، به همراه زوال اکثر صنایع دستی، تبدیل بافندگان فرش به کارگرانی که برای دستمزد ناچیزی کار می‌کردند، تنزل بهای صادرات ایران در مقابل بهای واردات از اروپا و افت وحشتناک قیمت نقره که پول رایج ایران بود، نارضایتی عمومی را در میان مردم افزایش داده بود. بنابراین از یک سو جا به جایی‌های اقتصادی و

سیاسی که در اثر تماس با غرب در ایران به وجود آمده بود، به نارضایتی روز افزون اقتصادی مردم دامن می‌زد و از سوی دیگر ضعف و ناتوانی دولت باعث حضور و نفوذ گسترده ممالک قدرتمند اروپایی در ایران شده بود. به طوری که نفوذ انگلستان و روسیه در ایران به انحاء مختلف به چپاول اموال و دارایی‌های ملی ایرانیان انجامیده بود.

امتیاز تجارت توتون و تنباکو

اندیشه انحصار تجارت توتون و تنباکو را نخستین بار محمدحسن خان اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات ناصرالدین‌شاه مطرح کرد سه سال پس از وقایع فوق و در پی سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۲۶۹ ه. ش که به تشویق وزیر مختار انگلیس در ایران، سرهنری درومند ولف انجام گرفته بود، دولت انگلیس فرصت مناسب را برای کسب امتیاز انحصار توتون و تنباکو به دست آورد و زمینه‌سازی آن را به ماژور جرالده تالبوت از نزدیکان و مشاوران لرد سالیسبوری (نخست‌وزیر و وزیر خارجه انگلیس) محول کرد ناصرالدین شاه که برای تأمین هزینه سفرهای خود به اروپا با مشکلات مالی مواجه بود، با اعطای امتیاز موافقت کرد و پس از مراجعت به ایران در رجب ۱۳۰۷ ه. ق (مارس ۱۸۹۰ میلادی) قراردادی را با تالبوت - که با کمک دولت و عده‌ای از سرمایه‌داران انگلیسی، کمپانی رژی را با سرمایه‌ای ۶۵۰ هزار لیبره تأسیس کرده بود - منعقد نمود. بدین ترتیب در ۲۸ رجب ۱۳۰۷ (۲۰ مارس ۱۸۹۰) امتیاز تجارت توتون و تنباکو به مدت پنجاه سال به تالبوت اعطا گردید. این امتیاز که به امضای شاه و سرهنری ولف رسید، دارای پانزده فصل بود که حکایت از اختیارات تام تالبوت در امور دخانیات ایران و بی‌اعتنایی به منافع ملت ایران داشت. مطابق با این قرارداد، شرکت رژی متعهد می‌گردید که در ازای انحصار خرید و فروش توتون و تنباکوی ایران به مدت پنجاه سال، سالانه مبلغ ۱۵ هزار پوند استرلینگ به همراه یک چهارم سود خالص خود را به شاه بپردازد. کمپانی رژی در آغاز به صورت ناشناخته به فعالیت می‌پرداخت. هنگامی که به استناد فصل نهم امتیازنامه که صاحب امتیاز را مجاز به واگذاری حقوق خود به دیگری می‌کرد - امتیاز خود را به «شرکت شاهنشاهی تنباکوی ایران» فروخت با مخالفت‌های گسترده‌ای از سوی مردم و روحانیون مواجه شد. در این زمان انتشار اعلامیه‌ای رسمی از سوی دولت که واگذاری امتیاز تنباکو را تذکر می‌داد و در عین حال به زارعین توتون و تنباکو نیز وعده خرید عادلانه و نقدی محصولات آنها را می‌داد، موج گسترده‌ای از نارضایتی را دامن زد در سال ۱۸۹۰، روزنامه فارسی زبان اختر که در عثمانی منتشر می‌شد، طی

چهارمین کنفرانس اکوئمی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

مصاحبه‌ای با تالبوت، تفاوت فاحش امتیاز دخانیات ایران را با امتیازی که کمپانی رژی از عثمانی گرفته بود، یادآور شد و ضمن انتقادهای گسترده از دولت، تبعات و پیامدهای قرارداد را برای مردم ایران روشن ساخت با توجه به این مطلب که توتون و تنباکو از مهمترین اقلام تجاری و صادراتی ایران بود و حدود دویست‌هزار تن به کشت و خرید و فروش آن اشتغال داشتند بنابراین انحصار خرید و فروش این محصول به یک شرکت انگلیسی منافع بسیاری از مردم ایران را به خطر می‌انداخت. به همین سبب نخستین اعتراض‌ها را تاجران دخانیات آغاز کردند که تجارتشان مستقیماً در معرض تهدید کمپانی رژی بود. در آغاز عده‌ای از بازرگانان به همراه امین‌الدوله نزد شاه رفتند و به انحصار تجارت تنباکو اعتراض کردند این اعتراض موجب شد که دولت به انگیزه دلجویی از آنان مهلت شش ماهه‌ای برای فروش ذخایر توتون و تنباکوی تاجران قایل شود با این حال مهلت فوق نیز نمی‌توانست خسارات ناشی از واگذاری امتیاز را جبران سازد. در این بین روس‌ها نیز که در منطقه ساوجبلاغ به کشت تنباکو اشتغال داشتند به امتیاز فوق اعتراض کردند و آن را ناقض عهدنامه ترکمانچای خواندند و خواستار لغو آن یا عقد قرارداد مشابهی شدند.

جنبش مشروطه ایران

از اوائل پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار ناخشنودی مردم از ستم و وابستگی حکومت رو به افزایش بود. تأسیس دارالفنون و آشنایی تدریجی ایرانیان با تغییرات و تحولات جهانی، اندیشه تغییر و لزوم حکومت قانون و پایان حکومت استبدادی را نیرو بخشید. نوشته‌های روشنفکرانی مثل حاج زین‌العابدین مراغه‌ای و عبدالرحیم طابوف و میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا ملکم خان و میرزا آقاخان کرمانی و سید جمال‌الدین اسدآبادی و دیگران زمینه‌های مشروطه‌خواهی را فراهم آورد. سخنرانیهای سیدجمال واعظ و ملک المتکلمین توده مردم مذهبی را با اندیشه آزادی و مشروطه آشنا می‌کرد نشریاتی مانند حبل المتین و چهره‌نما و حکمت و کمی بعد ملانصرالدین که همه در خارج از ایران منتشر می‌شدند نیز در گسترش آزادی خواهی و مخالفت با استبداد نقش مهمی داشتند کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی که آشکارا انگیزه خود را قطع ریشه ظلم و نتیجه تعلیمات سیدجمال‌الدین دانسته بود، کوشش بیشتر در روند مشروطه‌خواهی را سبب شد. اگرچه از مدتی قبل شورش‌ها و اعتراضاتی در شهرهای ایران علیه مظالم حکومت رخ داده بود اما شروع جنبش را معمولاً از ماجرای گران شدن قند در تهران ذکر می‌کنند. علاءالدوله حاکم تهران هفده نفر از بازرگانان و دو تن سید را به جرم گران کردن قند به چوب بست. این کار که با تأیید عین‌الدوله صدراعظم مستبد انجام شد اعتراض بازاریان و روحانیان و روشنفکران را برانگیخت. اینان در مجالس و در مسجدها به

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

سخنرانی ضد استبداد و تأسیس عدالتخانه یا دیوان مظالم پرداختند. خواست برکناری عین‌الدوله و عزل مسیو نوز بلژیکی و حاکم تهران و حتی عسگر گاریچی به میان آمد و اعتصاب در تهران فراگیر شد. عده‌ای از مردم و روحانیان به صورت اعتراض به مسجد حضرت عبدالعظیم رفتند و در آن جا تحصن کردند. مظفرالدین شاه وعده برکناری صدراعظم و تشکیل عدالتخانه را داد و علما با احترام به تهران بازگشتند. هنگامی که مظفرالدین شاه به وعده خود عمل نکرد علما از جمله سیدین سندین، آقا سید محمد طباطبائی و آقا سیدعبدالله بهبهانی، به قم رفتند و تهدید کردند که کشور را ترک خواهند کرد و به عتبات عالیات خواهند رفت. بازاریان و عده زیادی از مردم به تحصن در سفارت انگلیس اقدام نموده و خواهان آزادی علما و تشکیل عدالتخانه شدند. عین‌الدوله با گسترش ناآرامی‌ها در شهرهای دیگر استعفا کرد و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم شد در ابتدای حرکت، مسله اصلی، عدالتخانه و عدالتخواهی بود و به همین دلیل نهضت مشروطه را در ابتدا نهضت عدالتخانه می‌گفتند. با اوجگیری نهضت، به تدریج مسأله پارلمان و محدود کردن قدرت شاه مطرح شد.

مشروطیت و روحانیت :

اگر راستی را خواهیم این علمای نجف و دو سید و کسان دیگر از علما که پافشاری در مشروطه‌خواهی می‌نمودند، معنی درست مشروطه و نتیجه رواج قانون‌های اروپایی را نمی‌دانستند، و از ناسازگاری بسیار آشکار که میانه مشروطه و کیش شیعه‌است آگاهی درست نمی‌داشتند، مردان غیرتمند از یکسو پریشانی ایران و ناتوانی دولت را دیده و چاره‌ای برای آن جز بودن مشروطه و مجلس نمی‌دیدند و با پافشاری بسیار به هواداری از آن می‌کوشیدند، و از یکسو خود در بند کیش بوده چشم‌پوشی از آن نمی‌توانستند. در میان این دو درمی‌ماندند. آزادی و برابری که در رژیم مشروطه مورد توجه‌است از هدف‌های اصلی پیامبران به شمار می‌رفته، پیامبر ما هرگز فراموش نکرد که همه مردم آزاد و برابر هستند. رهبران مذهب شیعه می‌خواستند مسلمانان را از بردگی نجات داده حقوق از دست رفته‌شان را باز گردانند. شیخ فضل‌الله نوری به صراحت از مشروط بودن آزادی در متون دینی سخن می‌گوید و معتقد است: «بنای قرآن بر آزاد نبودن قلم و لسان است.» وی از سوئی منکر وجود آزادی در مهم‌ترین متن دینی می‌گردد و از سوی دیگر بر این باور است که اعتقاد به آزادی مطلق حرف اشتباهی است و حتی «این سخن در اسلام کلیتاً کفر است.» نوری در قطعه فوق از آزادی مطلق سخن می‌گوید و آن را نفی می‌کند و برابر با کفر می‌نشانند. گو اینکه می‌توان نتیجه گرفت که وی با آزادی‌های مضاف (بیان، قلم و...) سازگاری دارد و آنان را می‌پذیرد. اما با دقت در سخنان او نمی‌توان چنین نتیجه‌ای گرفت اساساً وی نه تنها با

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

آزادی‌های مضاف مخالف است، بلکه حتی پیشنهاد می‌کند واژه آزادی از بحث‌های موجود حذف شود: «اگر از من می‌شنوید، لفظ آزادی را بردارید که عاقبت این حرف ما را مفتضح خواهد کرد».

- فرمان مشروطیت :

بالاخره مظفرالدین شاه فرمان مشروطیت را در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ امضا کرد. علما و دیگرانی که به حضرت عبدالعظیم و قم رفته بودند بازگشتند و تحصن در سفارت انگلیس پایان یافت. مردم صدور فرمان مشروطیت را جشن گرفتند.

- جنبش مشروطیت :

از چند روز قبل از ۱۴ مرداد ۱۲۸۶ مقدمات برگزاری جشنی بزرگ در سالگرد صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس اول، در محوطه بهارستان مهیا گردید. تمام محوطه با بستن آذین‌ها و ایجاد غرفه‌های مختلف تزئین شده و در فضای نگارستان (جلوخان مجلس) غرفه‌های زیبایی برای هرکدام از مدارس ملی تهیه شده بود. سه روز و سه شب مراسم ادامه داشت و از برنامه‌های دیگر آن، رژه شاگردان مدارس با لباس یک شکل، آتش بازی، پذیرائی با شیرینی و شربت، و حضور اعضاء انجمن‌های ملی در تکیه دولت و ادای احترام به نعش مظفرالدین شاه بود. هرچند این مراسم به مزاق شیخ فضل‌الله نوری و اطرافیانش که در حرم عبدالعظیم بست نشسته بودند خوش نیامد ولی به خوبی و خوشی برگزار شد.

محمدعلی شاه

پس از مرگ مظفرالدین شاه، ولیعهد او محمدعلی میرزا شاه شد و از همان ابتدا به مخالفت با مشروطه و مجلس پرداخت. او در مراسم تاجگذاری خود نمایندگان مجلس را دعوت نکرد. به علاوه اگرچه نمایندگان دوره اول مجلس که با حرارتی تمام جهت اصلاح اوضاع ایران می‌کوشیدند، با راندن مسیو نوز رئیس کل گمرک و وزیر خزانه از خدمت در مقابل سیاست روسیه که از او جداً حمایت می‌کرد، غالب آمدند؛ اما روس‌ها شاه تازه را در دشمنی با مجلس و مشروطه روز به روز بیشتر تقویت نمودند تا آنجا که محمدعلی شاه، مشیرالدوله را از صدارت برکنار کرد و امین السلطان (اتابک اعظم) را که سالها صدراعظم دوره استبداد بود از اروپا به ایران فراخواند و او را صدراعظم کرد. از امضای قانون اساسی سر باز زد. پس از اعتراضات مردم به ویژه در تبریز، ناچار دستخطی صادر کرد و قول همراهی با مشروطه را داد؛ ولی هم شاه و هم اتابک اعظم همچنان به مخالفت با مشروطه و مشروطه خواهان مشغول بودند. اتابک اعظم را جوانی به نام عباس آقا تبریزی با تیر زد و کشت. نشریه

چهارمین کنگرئس الکوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

هفتگی صوراسرافیل در این دوران منتشر می‌شد و نقش مهمی در تشویق مردم به آزادیخواهی و مقابله با شاه و درباریان طرفدارش داشت. با توجه به ناقص بودن قانون اساسی مشروطه که با عجله تهیه شده بود مجلس متمم قانون اساسی را تصویب کرد که در آن مفصلاً حقوق مردم و تفکیک قوا و اصول مشروطیت آمده بود. محمدعلی شاه به مجلس رفت و سوگند وفاداری یاد کرد. پس از چند روز او و دیگر مستبدان با همراهی شیخ فضل‌الله نوری عده‌ای را علیه مجلس در اطراف آن جمع کردند و به درگیری با نمایندگان و مدافعان مجلس پرداختند. با بمبی که یاران حیدرخان عموآوغلی به کالسکه حامل محمدعلیشاه انداختند به مقابله جدی با مجلس پرداخت و به باغشاه رفت و بریگاد قزاق را برای مقابله با مجلس آماده کرد.

به توپ بستن مجلس

نام سید جمال‌الدین واعظ به همراه ملک‌المتکلمین، میرزا جهانگیرخان، سید محمدرضا مساوات در لیست چهارنفری بود که محمدعلی شاه قبل از به توپ بستن مجلس، درخواست تبعید آنها را از ایران کرده بود. جمال‌الدین واعظ همراه با ملک‌المتکلمین رهبری گروه‌های بزرگی از مشروطه‌گرایان را به عهده داشتند. بالاخره با فرستادن کلنل لیاخوف فرمانده بریگاد قزاق حمله به مجلس را آغاز کرد. لیاخوف با نیروهایش مجلس را محاصره کردند و ساختمان مجلس و مدرسه سپهسالار را در ۲۳ جمادى‌الاول (۱۳۲۶) ۲ تیر ۲۳/۱۲۸۷ ژوئن ۱۹۰۸ (به توپ بستند. عده زیادی از مدافعان مجلس در این حمله کشته شدند. محمدعلی شاه لیاخوف را به حکومت نظامی منصوب کرد و به تعقیب نمایندگان و دیگر آزادیخواهان پرداخت. ملک‌المتکلمین و میرزا جهانگیرخان و قاضی ارداقی را در باغشاه پس از شکنجه در برابر محمدعلی شاه کشتند.

قیام در تبریز

پس از حمله به مجلس و پخش خبر آن، در شهرهای دیگر ایران شورشهایی برخاست. مردم تبریز با شنیدن خبرهای تهران به هواداری از مشروطه و مخالفت با محمدعلی شاه برخاستند. انجمن تبریز عملاً جایگزین مجلس ملی شده بود. شاه نیروهای دولتی را برای سرکوب فرستاد. علی‌مسیو، ستارخان، باقرخان و حیدرخان عموآوغلی در تبریز به بسیج مردم و سازماندهی نیروی مسلح (مجاهدین مشروطه) برای مقابله با نیروهای دولتی کمک می‌کردند. در مدت یازده ماه یعنی از ۲۰ جمادى‌الاول ۱۳۲۶ ق تا هشتم ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ ق مردم تبریز به سرکردگی ستارخان در مقابل بیش از سی هزار نیروی مهاجم به فرماندهی عین‌الدوله و صمد شجاع‌الدوله و شجاع نظام مرندی مقاومت کرد گروهی از

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

ایرانیان قفقاز نیز به مردم تبریز پیوستند و به مجاهدان قفقاز معروف شدند. علی‌مسئو از یاران حیدرخان عمواغلی و یارانش هم دسته مجاهدان تبریز را تشکیل دادند محمدعلیشاه از تزار روسیه نیکلای دوم درخواست کمک کرد و تبریز به محاصره نیروهای روس و نیروهای دولتی درآمد. سردار یارمحمدخان کرمانشاهی که از فعالان مشروطه بود به یاری ستارخان و باقرخان شتافت. وی بعداً به وسیله عبدالحسین میرزا فرمانفرما حاکم کرمانشاه و عامل حکومت مرکزی در ۱۳ مهر ۱۲۹۱ ه. ش به قتل رسید. در آذربایجان، در پی بسته شدن راه تبریز - جلفا، و محاصره کامل شهر از طرف قوای شاه، گرسنگی و قحطی هولناکی بر مردم روی آورد و کار بر آزادیخواهان سخت شد. در اوایل ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۷ ه. ق. (اردیبهشت ۱۲۸۸ ه. خ) دولتین روس و انگلیس موافقت کردند که قشون روس به بهانه شکستن خط محاصره و حمایت از اتباع بیگانه، و رساندن خواربار به آنان وارد تبریز شود. با ورود سپاهیان روس محاصره تبریز شکست و نیروهای شاه از شهر دور شدند. اما خاتمه کار تبریز به معنی پیروزی ارتجاع نبود و کوشش آزادیخواهان در نقاط دیگر ایران همچنان ادامه یافت.

کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ کودتایی نظامی بود که توسط رضاخان میرپنج و هم‌دستی سیدضیاءالدین طباطبایی و با برنامه‌ریزی افسر انگلیسی آبرونساید اجرا شد پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که انگلیسی‌ها نقشی در طراحی کودتا یا آنچه بعداً رهبران می‌بایست انجام می‌دادند نداشتند اما برخی منابع می‌گویند ۲۳ روز پیش از کودتا رضاخان با ادموند آبرونساید ملاقات کرد که در این دیدار ژنرال آبرونساید به رضاخان گفته بود اگر شما قدرت را در دست بگیرید ما مخالفتی نداریم در نتیجه مذاکرات و هماهنگی‌های به عمل آمده بین سیدضیاءالدین طباطبایی و رضاخان، در روز سوم اسفند قوای قزاق وارد تهران شده و ادارات دولتی و مراکز نظامی را اشغال کردند. نزدیک به صد تن از فعالان سیاسی و رجال سرشناس بازداشت و زندانی شدند. احمدشاه و محمدحسن میرزا (ولیعهد) به کاخ فرح‌آباد گریختند و سپهدار رشتی (نخست‌وزیر) به سفارت انگلستان در تهران پناهنده شد. نتیجه کودتا، رئیس‌الوزرای سیدضیاءالدین و وزیر جنگ شدن رضاخان بود.

اوضاع ایران در دوران پیش از کودتا

در سال ۱۹۰۷ م. قرارداد ۱۹۰۷ میان کشورهای بریتانیا و روسیه تزاری در سن پترزبورگ امضا شد. بر پایه قرارداد ۱۹۰۷ بریتانیا پیشنهاد تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ را داد. منطقه شمالی به روسیه تزاری اعطا شد و منطقه جنوبی به بریتانیای کبیر. منطقه میانی باید به عنوان منطقه بی طرف کار می‌کرد. پیمان نامه ۱۹۰۷ م. بدون آگاهی دولت ایران در

چهارمین کنفرانس اکوئمی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

زمان اوج جنبش مشروطه امضا شد؛ از این رو سرانجام با پاسخ تند مجلس شورای ملی رو به رو شد. با وجود اعتراضات ایران به این قرارداد، مواد آن عملاً در زمان جنگ جهانی اول اجرا شد و به بهانه جنگ با عثمانی شمال ایران به اشغال سپاه روسیه تزاری درآمد و نیز بریتانیا با اشغال بوشهر به سوی شیراز پیشروی کرد. روس‌ها تا زمان انقلاب اکتبر بر حفظ منافع به دست آمده‌شان از این قرارداد اصرار داشتند. پس از انقلاب اکتبر این قرارداد به دلیل ایدئولوژی غالبین توسط دبیرکل حزب کمونیست حاکم ولادیمیر ایلیچ لنین ملغی شد. جنگ جهانی اول با پیروزی متحدین (متفقین) پایان یافته بود و وقوع انقلاب اکتبر، همسایه شمالی ایران را از بازیگری در عرصه جهانی ناتوان کرده بود. در این هنگامه، دولت بریتانیا که خود را یکه تاز میدان می‌دید، به صرافت افتاد برای جلوگیری از نفوذ امواج انقلاب سرخ به سوی هندوستان، ایران را به عنوان کشوری حائل درآورد. لرد کرزن وزیر وقت امور خارجه انگلستان، برای این کار قراردادی طراحی کرد که به قرارداد ۱۹۱۹ شهرت یافت. مطابق این پیمان، دست دولت بریتانیا در امور مالی و نظامی ایران باز می‌شد. قراردادی که دولت بریتانیا سعی در بستن آن با دولت ایران کرد ولی با مخالفت ایرانیان موفق نشد. طی جنگ جهانی اول هم‌زمان با حکومت احمدشاه قاجار دولت مشروطه ایران ضعیف‌ترین دوران خود را می‌گذراند. ایران از جوانب گوناگون اوضاعی آشفته، نابسامان، بغرنج و متزلزل داشت. بحران فزاینده اقتصادی، وضعیت ناپایدار سیاسی و مداخلات مهارگسیخته قدرت‌های خارجی ایران را تا آستانه یک دولت ورشکسته و وابسته پیش برده بود. علی‌رغم اعلام بی‌طرفی دولت ایران نیروهای متخاصم از جنوب و شمال وارد ایران شدند. بر اثر اشغال ایران توسط بریتانیا و خرید آذوقه مردم ایران توسط ارتش اشغالگر و شروع قحطی بزرگ ایران (۱۲۹۸-۱۲۹۶)، بخش بزرگی از مردم ایران به کام مرگ فرورفتند. سپاه روسیه تا دروازه‌های تهران پیشروی کرد اما از منقرض کردن سلسله قاجار منصرف شد. غرب کشور را سپاه عثمانی اشغال کرده بود. در جنوب مردم محلی در چند نوبت با متجاوزان انگلیسی درگیر شدند که از مهم‌ترین نبردهای جنگ جهانی اول در ایران می‌توان به مقاومت تنگستانی‌ها اشاره کرد. جمعی از رجال و نمایندگان مجلس، حکومت موقتی به نام دولت ملی به ریاست نظام السلطنه (رضا قلی خان مافی) تشکیل دادند. پس از پایان جنگ نیز کشور دچار هرج و مرج بود. دولت در خارج از پایتخت نفوذی نداشت و هر بخش از کشور زیر نفوذ قدرتی محلی بود. شمال کشور را سپاه انگلستان و روسیه در اشغال داشت. پلیس جنوب با همکاری قشون هندی‌ها زیر نظر انگلیسی‌ها بر جنوب حکمرانی داشت. در آذربایجان غربی اسماعیل آقا سیمیتقو شورشی بود. لره‌های شورشی لرستان را تحت کنترل داشتند. راه تهران به خراسان زیر غارت یاغیان ترکمن بود. در خوزستان شیخ خزعل حکومت می‌کرد و در فارس قوام‌الملک شیرازی و قشقایی‌ها قدرت را در دست

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

داشتند. کرمان و بلوچستان تحت نفوذ بلوچ‌ها بود و امیرموید در مازندران قدرت را به دست داشت.

اشغال ایران در جنگ جهانی دوم

پس از آغاز جنگ جهانی دوم در ۹ شهریور ۱۳۱۸ ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد، اما به دلیل گستردگی مرز ایران با اتحاد جماهیر شوروی و درگیری با آلمان این بی‌طرفی ناپایدار بود. ارتش متفقین به بهانه حضور جاسوسان آلمانی در ایران این کشور را اشغال کرد. در روز ۳ شهریور ۱۳۲۰ نیروهای شوروی از شمال و شرق و نیروهای بریتانیایی از جنوب و غرب، از زمین و هوا به ایران حمله کردند و شهرهای سر راه را اشغال کردند و به سمت تهران حرکت کردند. ارتش ایران به سرعت متلاشی شد. رضاشاه با فشار متفقین به خصوص بریتانیا ناچار به استعفا شد. متفقین پس از مدت‌ها کشمکش با روس‌ها بر سر نوع حکومت جدید ایران، بالاخره در انتقال سلطنت به پسرش - محمدرضا - که ولیعهد او نیز بود، به توافق رسیدند. پس از اشغال، راه‌آهن سراسری ایران برای انتقال کمک‌های نظامی از جنوب ایران به پشت جبهه شوروی، بر اساس قانون وام و اجاره مورد استفاده قرار گرفت. ایران که در آغاز جنگ، بی‌طرفی خود را اعلام کرده بود نهایتاً در ۱۷ شهریور ۱۳۲۲ به آلمان اعلان جنگ داد. هدف اصلی ایران از اعلان جنگ پیوستن به اعلامیه ملل متحد و شرکت در کنفرانس‌های صلح پس از جنگ بود. پس از اتمام جنگ، ارتش بریتانیا ایران را ترک کرد ولی نیروهای نظامی ارتش آمریکا و ارتش شوروی، همچنان در ایران باقی‌ماندند، که به تشکیل دو حکومت خودمختار و کوتاه‌مدت جمهوری مهاباد در کردستان و حکومت فرقه دموکرات در آذربایجان انجامید. حمله ارتش‌های بریتانیا، آمریکا و شوروی به ایران در کشاکش جنگ جهانی دوم، حاصل سومین تبانی تاریخی این کشورها، به زیان حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران بود: در مورد نخست، در سده نوزدهم و در پایان جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار، تبانی روسیه با بریتانیا علیه ناپلئون در اروپا، سبب حمایت بریتانیا از بسته شدن پیمان‌های گلستان و ترکمنچای و تحمیل آن بر ایران شد. در مورد دوم، اوایل قرن بیستم میلادی نیز، پیمان‌های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ سبب تقسیم ایران به حوزه نفوذ دو کشور بریتانیا و روسیه، و زمینه‌ساز حضور نظامی آنان در ایران شد. سومین بار هم در جنگ جهانی دوم که بهانه حضور کارشناسان آلمانی در ایران، اشغال ایران را در پی داشت.

محمد رضا شاه پهلوی

محمد رضا شاه پهلوی "۴ آبان ۱۲۹۸ در تهران - ۵ مرداد ۱۳۵۹ در قاهره" دومین پادشاه دودمان پهلوی و آخرین پادشاه ایران بود که از ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بر ایران حکومت کرد. محمد رضا شاه اولین بار در پی اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و دومین بار با کودتای ۲۸ مرداد به قدرت رسید و با انقلاب ۱۳۵۷ از حکومت برکنار شد. او حاصل ازدواج رضاشاه و تاج‌الملوک آیرملو بود. در حالی که ۶ سال داشت، پدرش پادشاه شد و او به ولیعهدی ایران رسید. تحصیلات مقدماتی را در تهران و تحصیلات متوسطه را در سوئیس به اتمام رساند و در بازگشت به ایران با درجه ستوان دوم از دانشکده افسری فارغ‌التحصیل شد. در جنگ جهانی دوم و هم‌زمان با اشغال ایران در ۲۲ سالگی به پادشاهی رسید و از ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ تا انقلاب ایران در سال ۵۷ بر ایران پادشاهی کرد. در آغاز قدرت کمی داشت، ولی با پایان اشغال ایران و خروج نیروهای خارجی از کشور، با پشتیبانی امریکا و با سیاست نخست‌وزیر وقت، قوام السلطنه به حکومت خودمختار در آذربایجان و کردستان خاتمه داد. هم‌چنین زمین‌هایی که پدرش از مالکان آن‌ها گرفته بود را به صاحبان پیشین‌شان بازگرداند. مدتی پس از نجات از یک ترور نافرجام، با تشکیل مجلس سنا بر قدرت و اقتدار خود افزود. در دوران پادشاهی او، صنعت نفت ایران به رهبری محمد مصدق ملی شد. در سال ۱۳۳۲ سازمان اطلاعات و امنیت خارجی بریتانیا و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، کودتایی برای برکناری مصدق به راه انداختند. با شکست خوردن کودتای ۲۵ مرداد، محمد رضا شاه ایران را ترک کرد و به ایتالیا رفت، ولی با موفقیت کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مصدق برکنار شد و شاه باری دیگر به قدرت رسید. شاه به توسعه اقتصادی و افزایش قدرت نظامی کشور علاقه داشت و بخش زیادی از درآمد نفتی کشور را صرف ارتش ایران می‌نمود. او تحت عنوان انقلاب سفید و با هدف رسمی قرار گرفتن ایران در بین مدرن‌ترین کشورهای جهان تا پایان سده بیستم مجموعه‌ای از اصلاحات اقتصادی-اجتماعی مانند اصلاحات ارضی را آغاز نمود. در دهه چهل و اوایل دهه پنجاه هجری شمسی، ایران رشد اقتصادی سریعی را شاهد بود. محمد رضا شاه نظام تک‌حزبی را در کشور حاکم کرد و عملاً در شانزده سال پایان پادشاهی تقریباً هیچ‌یک از تصمیمات کلیدی کشوری بدون نظر مساعد او گرفته نمی‌شد. سرانجام او در تاریخ ۲۶ دی ۱۳۵۷ و در پی اعتراض‌های گسترش‌یافته مخالفان به رهبری روح‌الله خمینی، ایران را برای همیشه ترک کرد. وی در طول زندگی خود سه بار ازدواج کرد و صاحب پنج فرزند شد. وی در طول زندگی، چهار کتاب درباره زندگی خود و ایران نوشت که آخرین آن‌ها اندکی پیش از مرگ وی به پایان رسید. او سرانجام در تاریخ ۵ مرداد ۱۳۵۹ در سن ۶۱ سالگی و در اثر

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

سرطان غدد لنفاوی، در مصر درگذشت و در یکی از مهم‌ترین مساجد قاهره به نام مسجد رفائی به خاک سپرده شد.

نهضت ملی شدن صنعت نفت

در سال ۱۲۸۰ قراردادی توسط دربار به امضا رسید که به قرارداد داریسی معروف شد و به مدت نیم قرن، فصلی از تسلط انگلیس بر حیات سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی ایران گشود. قرارداد داریسی به شکلی دیگر در سال ۱۳۱۲ تمدید شد و در مدتی کوتاه، انحصارات کشورهای مرکز با دست اندازی به منابع کشورهای پیرامون به تمرکز تولید و تراکم سرمایه دست یافتند و به مبارزه برای به دست آوردن بازار کار و کالا و سرمایه پرداختند و جنگ جهانی دوم با چنین اهدافی آغاز شد. حاکمیت مطلق دولت بریتانیا بر صنعت نفت ایران تا اواسط قرن بیستم میلادی بود. با این احوال فقط از واپسین سال‌های جنگ جهانی دوم بدان سو بود که منافع اساساً نامشروع بریتانیا در ایران در روندی تدریجی ولی مداوم از سوی مردم کشور از افشار مختلف مورد تعرض و انتقاد قرار گرفته و چند سال بعد و در واپسین روزهای دهه ۱۳۲۰ ش منجر به ملی شدن صنعت نفت ایران شد که خود البته تحولات سیاسی - اقتصادی قابل توجه و سخت اثرگذار و تعیین کننده‌ای را به دنبال آورد. در شهریور ۱۳۲۰ کارگران نفت جنوب با توجه به شرایط خاص داخلی و بین‌المللی به سرعت در سندیکای کارگران نفت خوزستان متشکل شدند و با توجه به موقعیت استراتژیک ایران و اهمیت نفت در سرنوشت جنگ، به عنوان وزنه‌ای قابل تامل مطرح گشتند. کارگران نفت جنوب با هدایت شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران به مبارزه ادامه دادند و در خوزستان دست بهاعتصاب عمومی تیر ۱۳۲۵ زدند. به تحریک شرکت نفت انگلیس و ایران، پلیس و فرمانداری نظامی دست به کشتار عظیمی در میان کارگران زدند و به بهانه رهبری اعتصاب توسط شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران تحت رهبری حزب توده ایران، ۸۳ نفر از کارگران را در کشتار ۲۳ تیر ۱۳۲۵ کشتند. از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران شاپور بختیار رییس وقت اداره کار خوزستان طرف مذاکره کارگران جهت خواسته‌های صنفی کارگران بود. بر اثر مبارزه کارگران برای نخستین بار قانون کار ایران در ایران تصویب گردید. تداوم مبارزه کارگران و پیوستن مردم به جنبش، به ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ منجر گردید. با این که در مقابل این مبارزات، کشتارهایی نظیر ۲۳ تیر ۱۳۲۵ و ۳۰ تیر ۱۳۳۱ را تدارک دیدند، خللی در اراده مردم به وجود نیامد. ملی شدن صنعت نفت ایران برای انگلیس غیر قابل تحمل بود. ضربات سنگین ناشی از ملی شدن صنعت نفت برای انحصارات نفتی جبران ناپذیر بود، به ویژه که جنبش ملی شدن صنعت

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

نفت ایران نیروی محرکه‌ای برای مردم دیگر کشورهای منطقه برای کسب حقوق خود بود. آنچه بود هم‌زمان با شکل‌گیری اعتراضات گسترده مردمی که از سوی بسیاری از گروه‌های سیاسی و نیز نمایندگان از مجلس شورای ملی حمایت می‌شد، انگلیسیان جهت حفظ و تحکیم موقعیت خود در سر پل‌های نفتی ایران بر آن شدند با اعطای برخی امتیازات محدود بر اعتراضات پایان دهند. مهم‌ترین این اقدامات قرارداد گس-گلشائیان بود که به لایحه الحاقی نفت نیز مشهور شده‌است و دولت حاجعلی رزم‌آرا تلاش فراوان کرد تا بلکه مجلس شورای ملی آن را تصویب کند. اما به رغم تمام فشارها و تهدیدهایی که وجود داشت مجلس شورای ملی آن را رد کرد. مدت کوتاهی پس از آن کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی طرح ملی شدن صنعت نفت ایران در سراسر کشور را به نمایندگان پیشنهاد کرد که پس از کش و قوس‌های متعدد در داخل و خارج از مجلس و بالاخص مدت کوتاهی پس از آن که رزم‌آرا نخست‌وزیر وقت در روز چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ از سوی خلیل طهماسبی از اعضای جمعیت فدائیان اسلام هدف گلوله قرار گرفته و به قتل رسید مورد توجه جدی نمایندگان قرار گرفت. دکتر محمد مصدق در راس مبارزات مردم ایران قرار داشت. با رشد جنبش، محافل وابسته برای سرکوب جنبش تلاش‌های تازه‌ای را آغاز کردند و هم‌زمان، فشارهای سیاسی و اقتصادی از جانب انگلیس فزونی گرفت و با اعزام ناوگان جنگی به خلیج فارس، این فشارها ابعاد نظامی یافت. در چنین موقعیتی کارگران با اعتصاب‌ها، موقعیت دکتر مصدق را مستحکم‌تر کردند. این رشد باعث شد که عناصر سازشکار از صف نیروهای جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران خارج شده و حتی عنوان کنند که حاضرند بر علیه دکتر مصدق با انگلیس کنار بیایند. این افراد بعد از جدا شدن از جنبش، بر علیه نیروهای ترقیخواه به فعالیت گسترده‌ای دست زدند و سرانجام با همکاری محافل وابسته به دنبال چند کودتای نافرجام، ضربه نهایی را در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر مبارزات مردم وارد آوردند. بدین ترتیب در فضای سیاسی - اجتماعی بسیار حساس آن روزگار و نهایتاً در روز ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ ماده واحده‌ای راجع به ملی شدن صنعت نفت ایران از تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی گذشت و چند روزی بعد و در آخرین روز سال ۱۳۲۹ هم مجلس سنا مصوبه مجلس شورای ملی را تأیید کرد. بدین ترتیب روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به عنوان روز تاریخی ملی شدن صنعت نفت ایران در حافظه ملت ایران باقی ماند. هم‌زمان با تصویب طرح ملی شدن صنعت نفت ایران از سوی مجلسین شورای ملی و سنا، شرکت نفت ایران و انگلیس از پرداخت سی درصد فوق‌العاده دستمزد کارگران نفت بندر معشور، آغاچاری، لالی و نفت سفید امتناع ورزید و این امر موجب اعتصاب کارگران و اعلام حکومت نظامی در خوزستان شد. با اعزام نیروهای نظامی از اهواز، خرم‌آباد و اصفهان به مناطق مزبور شورش اعتصابیون کمی فروکش کرد لیکن شرکت نفت هنوز حاضر به پذیرش خواسته‌های اعتصابیون نبود. در ۸ فروردین ۱۳۳۰

چهارمین کنفرانس اکوئمی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دولت انگلستان اعلام کرد که برای حفظ امنیت صنایع بریتانیا در مناطق اعتصاب زده، کشتی‌های "فلامینگو" و "ایلوگوس" را به آبادان فرستاده است. این دو کشتی جنگی، قسمتی از نیروی دریایی انگلستان در خلیج فارس را تشکیل می‌دادند و پایگاه آنها در بحرین بود. در همین ایام شپرد سفیر انگلستان در تهران رسماً از حسین علاء نخست وزیر وقت سؤال کرد که برای حمایت از افراد انگلیسی در مناطق نفت خیز خوزستان چه اقداماتی انجام داده است. در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۳۰ نیروهای نظامی در آبادان مردم را به آتش بستند و سه نفر را به قتل رساندند. روز بعد نزدیک به هزار نفر از کارگران لوله نفت به اعتصاب کنندگان پیوستند. یک هفته بعد وضع آرام گرفت و تا روز ۱۸ فروردین نزدیک به یک سوم اعتصاب کنندگان به سر کار خود بازگشتند. لیکن در ۲۳ فروردین کارگران بندر معشور و آبادان دست به شورش زدند و این امر منجر به کشته و زخمی شدن چند تن از کارگران شرکت نفت شد. در پی آن، سومین کشتی جنگی انگلستان "ورن" وارد خلیج فارس شد و ناو جنگی "یویالوس" هم برای پیوستن به گامبیا از مدیترانه حرکت کرد. سفیر انگلستان بار دیگر با علاء ملاقات کرد و او را در جریان اقدامات دولت متبوعش قرار داد. در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۳۰، آیت‌الله کاشانی بیانیه‌ای منتشر ساخت و از کارگران شرکت خواست تا به شورش خود خاتمه دهند و به کارگران اطمینان داد که انگلیسی‌ها به زودی ایران را ترک خواهند گفت و دولت ایران خسارتهای وارده به آنها را جبران خواهد کرد. دکتر مصدق نیز در جلسه ۲۷ فروردین مجلس شورای ملی در مخالفت با اعلام حکومت نظامی در خوزستان اظهار داشت دلیل اینکه نمایندگان جبهه ملی از دادن رای به پیشنهاد دولت مبنی بر اعلام حکومت نظامی، خودداری کردند جز این نبود که دولت بدون تحقیق و بدون رسیدگی به این موضوع که آیا این اعتصاب بجاست یا بیجاست آن را اعلام کرد. مصدق سپس بیانیه جبهه ملی را خطاب به کارگران و نصیحت دادن به آنها مبنی بر اینکه دست از اعتصاب کشیده بر سر کار خود برگردند، ایراد کرد. به هر ترتیب با دستگیری تعدادی از سران اعتصاب و سرکوبی شورش کارگران امنیت نسبی برقرار شد و تا روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ آبادان تنها جایی بود که هنوز اعتصاب در آن ادامه داشت اما به تدریج تعدادی از کارگران به سر کار خود بازگشتند. در این تاریخ سپهد شاه‌بختی (فرمانده نظامی اعزامی از تهران) در تلگرامی که از استان ششم (خوزستان) به علاء مخابره کرد اظهار داشت: "اعتصاب هنوز در آبادان ادامه دارد ولی در نتیجه اقدامات معموله ۳۷۵۰۰ نفر مشغول کار شده‌اند برای دستگیری محرکین مرتباً اقدام و امروز چهار نفر از مسببین اصلی اعتصاب به نام کروالیان، زواری، آقاداتی و کیهان پناه بازداشت شده‌اند. اعتصاب کارگران شرکت نفت اگرچه با تلاش بسیار دولت ایران پایان پذیرفت اما دولت انگلستان همچنان در پی دسیسه و تحریک کارمندان ایرانی شرکت نفت بود به طوری که در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۰ سپهد

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

شاه‌بختی (فرمانده نظامی اعزامی از تهران) در تلگراف خود از استان ششم (خوزستان) به دکتر مصدق نخست وزیر وقت اعلام داشت: طبق اطلاع واصله کارمندان عالی‌رتبه ایرانی شرکت نفت به تصور اینکه در موقع اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت ممکن است بیکار شوند اظهار نگرانی نموده‌اند گفته می‌شود که این شایعات از ناحیه کارمندان خارجی شرکت نفت می‌باشد. بعد از کودتا، کنسرسیوم بین‌المللی بر صنعت نفت ایران چیره گشت و با کمک عناصر داخلی به سرکوب خونین تمامی نیروهای ترقی خواه پرداخت. گرچه تنها کلمه ملی برای صنعت نفت باقی ماند و درآمدهای حاصله از آن به انحصارات تعلق گرفت، اما دستاوردهای فکری جنبش ملی شدن صنعت نفت و اندیشه آزادخواهی و عدالت اجتماعی در تحولات اجتماعی ایران ماندگار گردید. دوره تاریخی ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ با تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت به اوج رسید و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پایان گرفت.

انقلاب ۱۳۵۷

انقلاب ۱۳۵۷ ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی با مشارکت طبقات مختلف مردم، بازاریان، احزاب سیاسی مخالف حکومت پهلوی، روشنفکران، دانشجویان و روحانیون شیعه در ایران انجام پذیرفت، و نظام پادشاهی این کشور را سرنگون، و زمینه روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، به رهبری روحانی شیعه، روح‌الله خمینی را فراهم کرد. تفکرات و شخصیت‌های اسلامی، در این انقلاب ضدسلطنتی حضور برجسته‌ای داشتند و خمینی آن را انقلاب اسلامی خواند این انقلاب، با نام انقلاب بهمن ۵۷ نیز شناخته می‌شود. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، محمدرضا شاه به تثبیت قدرت خود پرداخت و طرح‌های جنجال‌برانگیز موسوم به انقلاب سفید که محور اصلی آن اصلاحات ارضی تشکیل میداد، به اجرا گذاشت. اجرای این طرح‌ها و افزایش چند برابری درآمدهای نفتی، موجب توسعه اقتصادی و دگرگونی ساختار اجتماعی ایران و در عین حال افزایش اختلاف طبقاتی و تنش‌های اجتماعی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ گشت. شاه با معطوف کردن اقدامات امنیتی و اطلاعاتی خویش بر سرکوب طبقه متوسط جدید و احزاب سکولار، خود را در مقابل روحانیون و تفکرات مبارز جدید اسلامی آسیب‌پذیر ساخت. اصلاحات او و نیز جانبداری وی از دولتهای آمریکا و اسرائیل، با مخالفت روحانیون به ویژه خمینی روبرو شد. در این دوران شماری از روشنفکران ایران (از همه مهمتر علی شریعتی) بر احیای تفکر سیاسی شیعه تأثیری عمیق نهاده و تفسیری انقلابی از شیعه را به عنوان یک ایدئولوژی رهایی‌ساز، در اذهان مردم به ویژه محصلان و دانشجویان به جای گذاشتند. خمینی نیز در سالهای تبعید خود، اگرچه خواهان ایجاد یک حکومت اسلامی به رهبری فقها به جای سلطنت موروثی بود،

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

بیشتر به طرح نقطه ضعفهای رژیم و مسائلی که توده مردم مسلمان ایران را خشمگین میساخت، میپرداخت. همچنین شماری سازمانهای چریکی مارکسیست و اسلام‌گرا شکل گرفتند که به مبارزه مسلحانه با رژیم پرداختند. نهایتاً با سیاست‌های نادرست حزب حکومتی رستاخیز در خصوص بازار و مذهب در اواسط دهه ۱۳۵۰، بازاریان و روحانیون محافظه‌کار و غیر سیاسی نیز به عنوان دو متحد تاریخی، به صفوف مخالفان پیوستند. تنش‌ها و نارضایتی‌های مذکور، با بازتر شدن فضای سیاسی در سال ۱۳۵۶ که به دلیل فشارهای دولت آمریکا و نهادهای مدافع حقوق بشر صورت پذیرفته بود، خود را نشان داد و از پاییز و زمستان همان سال، به صورت تظاهرات خیابانی نمود یافت. معترضان برای برگزاری راهپیمایی، از سنت‌های شیعی چون مراسم چهلم جانبختگان اعتراضات، استفاده سیاسی به عمل آوردند. رویدادهایی چون فاجعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان، کشتار معترضان در برخی از تظاهرات‌ها (از جمله در واقعه جمعه سیاه در شهریورماه)، و امتیازهای دیرهنگام شاه به مخالفان، موجب تشدید اعتراضات و از دست رفتن امکان مصالحه شد. رکود اقتصادی به وقوع اعتصابات گسترده و پیوستن طبقه کارگر به تظاهرات‌ها و در نتیجه فلج شدن اقتصاد کشور انجامید. با پیوستن کارگران و همچنین تهیدستان شهری به تظاهرات‌ها، دامنه اعتراضات از ده‌ها هزار نفر به صدها هزار و حتی میلیون‌ها تن رسید. سرانجام با خروج شاه از کشور، عدم موفقیت دولت شاپور بختیار، دو روز نبرد مسلحانه سازمان‌های چریکی و هزاران داوطلب مسلح با گارد شاهنشاهی و اعلام بیطرفی ارتش در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، انقلاب به پیروزی رسید. سپس نظام «جمهوری اسلامی» «در قالب حکومتی دینی برپایه تفسیر خاصی از شیعه به نام ولی فقیه‌جایگزین نظام پیشین گردید».

تاریخ جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران با اعلام نتایج انتخابات تعیین سیستم حکومتی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ خورشیدی شکل گرفت اما معمولاً تاریخ آن‌را زمان بازگشت آیت‌الله خمینی به ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی بررسی می‌شود. این دوره سیاسی ایران که تاکنون نیز ادامه دارد اتفاقاتی چون جنگ ایران و عراق رخ داده است. یکی از اتفاقات مهم در این دوره بحران گروگان‌گیری در سفارت ایالات متحده آمریکا که دانشجویان پیرو خط امام آنجا را تسخیر کردند بوده که باعث تخاصم ۴۴۴ بین آمریکا و جمهوری اسلامی

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

ایران شد. یکی دیگر از اتفاقات انفجار در دفتر نخست‌وزیری جمهوری اسلامی ایران است که موجب مرگ محمد علی رجایی و محمد جواد باهنر شد.

عصر رهبری حضرت آیت الله خامنه ای

پس از درگذشت آیت‌الله روح‌الله خمینی رهبر انقلاب ۱۳۵۷، مجلس خبرگان رهبری در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ و پیش از تدفین وی در جلسه‌ای فوق‌العاده آیت‌الله سید علی خامنه‌ای را به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران انتخاب کرد. وی سرانجام با کسب بیش از ۷۲ درصد کل اعضاء به این مقام رسید. پیش از برگزیدگی و رأی‌گیری وصیت‌نامه سید روح‌الله خمینی خوانده شد. بنابر روایت آیت‌الله‌محمی‌الدین حائری شیرازی نخست‌قرار بود رهبری شورایی شود ولی این موضوع مورد اجماع واقع نشد و نهایتاً رهبری به صورت فردی به اجماع اعضاء رسید. شورای نگهبان بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی وظیفه تعیین رهبر را بر عهده دارد رهبر کنونی ایران علی‌رغم عدم تمایل و به نقل امامی کاشانی در حالیکه خود به انتخاب احمد آذری قمی بعنوان رهبر نظر داشت به وسیله اکثریت بالای آراء اعضاء مجلس خبرگان به این سمت منصوب شد.

جمع بندی و نتیجه گیری

هر چند سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران افقی روشن را برای جامعه ایرانی به تصویر می کشد که در خور توانایی های بالقوه و شان هویتی آن می باشد ولی در نگاهی علمی، این مهم میسر نخواهد شد مگر در پرتو الگوهای کار آمد، اثر بخش و هدایت کننده ای که ناظر بر هویت و فرهنگ ایران اسلامی باشد. با این حال مطالعه و ارزیابی دقیق متدولوژی و نتایج برنامه های پیشرفت کشور و نیز تحلیل دستاورد های برنامه های توسعه دیگر کشورها در سطح منطقه ای و حتی جهانی در بر گیرنده نکات مثبت و منفی متعددی است که لازم است جهت تحقق فرهنگ و هویت اسلام و انقلاب دقیقاً مورد اعتنا واقع گردند تا سرنوشت سند چشم انداز که امید بخش آینده روشن ایران و الهام بخش جهان اسلام است به واسطه الگوهای التقاطی و غیر اسلامی دستخوش تجربه ای مشابه نگردد. بنا بر این برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت لازم است واقع نگری و آرمان گرایی را توأمان در نظر گرفت تا از یک سو واقعیات جهان همچون تمایز بین جهانی سازی به مفهوم هژمونی آمریکایی و جهانی شدن به عنوان یک ضرورت تاریخی درک گردد و از دیگر سو آرمان های انقلاب اسلامی همچون اقامه قسط و توسعه آزادی های مشروع تضمین گردد و موج بیداری اسلامی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کشور صرفاً به عنوان یک ابزار سیاسی / تبلیغاتی نگریسته نشود. این الگوی مفهومی باید قابلیت ایجاد فرآیندی را داشته باشد که در طی آن جهان بینی علمی حاکم بر فنون و

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

استراتژی‌های توسعه یافتگی با پارادایم‌ها و متاپارادایم اسلامی و ایرانی در تعامل سازنده قرار گیرد به گونه‌ای که از یک سو فرد و جامعه بتوانند حداکثر دستاوردها و تجارب علمی بشر را طی فرآیند پیشرفت نهادینه نمایند و از دیگر سو فرآیند به گونه‌ای عمل نماید که هویت و فرهنگ ایرانی و اسلامی نه به عنوان یک مانع پیشرفت تلقی گردد و نه قربانی استراتژی‌های منفعلانه توسعه گردد. فرآیند این مدل باید هوشمندانه فضایی واقع بینانه را ایجاد کند که در آن آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها و ویژگی انقلابی در تعامل با هژمونی آمریکایی و فرآیند جهانی سازی آن اراده ملی و بین‌المللی را به سمت هژمونی منطقه‌ای ایران که منطبق با اهداف سند چشم‌انداز است هدایت نماید.

ارائه پیشنهادات برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۱ - در قدم اول؛ باید شعارهای اصلی را تعیین کرد چرا که این شعارها ضمن اینکه واقعیات جامعه را در نظر دارند، اصول حاکم بر این الگو را نیز نشان می‌دهند. برای مثال توجه به خانواده یکی از اصول اساسی این الگو باید باشد چرا که توجه به خانواده از چند منظر اهمیت دارد: (۱) خانواده اولین مدنی است که خداوند پدید آورده است و قداست آن در تمام ادیان ابراهیمی ذکر شده است (۲) خانواده منبع تامین نیروی انسانی کارآمد برای پیشرفت است (۳) بخش بزرگی از رسالت‌های یک دولت برای تحقق جامعه‌ای پویا، خلاق و دین‌دار را می‌توان بر عهده خانواده نهاد و به نوعی بازوی اجرایی دولت اسلامی باشد (۵) تعلقات خانوادگی افراد را اخلاقی‌تر، صرفه‌جوتر و آرمان‌گراتر می‌کند و این یعنی یک ذخیره‌ی بزرگ برای دولت اسلامی.

۲ - قدم دوم؛ سرمایه‌گذاری و توجهات زیاد به انسان، فرهنگ و نوع‌نگرش آنهاست چراکه در این الگو مهمترین رکن انسان، فرهنگ، آموزش و نوع‌نگرش آنهاست. لازمه تحقق حیات طیبه انسان کامل است و لذا در این الگو، برخلاف الگوهای غربی که به وسایل به دید مادی و به عنوان هدف نگاه می‌شود به اینها به دید وسیله‌ای برای رسیدن به هدف باید نگرسته شود.

۳ - در قدم سوم باید به مفاهیم معنوی اشاره کرد که با معیارهای کمی قابل اندازه‌گیری نیستند ولی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بسیار تعیین‌کننده هستند. لازم است که اندیشمندان ایرانی همت خود را در این باره مبذول نمایند که عناصر معنوی موثر در پیشرفت را شناسایی کرده و در الگوی خود قرار دهند. عدالت در کنار جود و بخشش، امید روانی، ارتقای خداگرایی و رشد مذهب، افزایش کمی و کیفی عفت عمومی، معاد هراسی و الگوی اخلاقی غیر لذت‌گرا بخشی از این عناصر معنوی اند. علاوه بر فعالیت‌های ایجابی برای تحقق مفاهیم معنوی در جامعه، در این الگو باید به نقش سلبی و بازدارندگی آخرت‌گرایی هم توجه شود چرا که آخرت‌گرایی مانع تورم اقتصاد دنیازده است. این اقتصاد از عقلانیتی که زندگی آدمی را به سه بخش معاش، معاد و تفریح سالم تقسیم می‌کند دفاع نمی‌کند، بلکه در سیکل دیوانه‌کننده‌ی معاش و لذت و قدرت در دوران است.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

۴ - قدم چهارم؛ توجه به نظام مدیریتی و پالایش مدام این عرصه در کشور است چرا که حساسیت این امر نیازمند بررسی و برانداز قدم به قدم می باشد که لازمه ی آن یک مدیریت قوی، فعال، به روز و کارآمد می باشد.

۵ - در اشاره به قدم پنجم می توان گفت از آنجایی که موضوع پیشرفت ، مربوط به انسان و حوزه های مختلف زندگی اوست، که مطالعات انسانی در این باره را بسیار حائز اهمیت می کند. لذا علاوه بر تلاش علمی جهت کارآمد سازی علوم انسانی ، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به لحاظ قید ایرانی بودن نیز نیازمند مطالعات اجتماعی گسترده در جامعه ی ایرانی است.

۶ - قدم ششم آن است که، زمانی که، دستداران پیشرفت در مدل غربی با مقاومت بخش هایی از جامعه در قبال الگوی دلخواه خود مواجهه شوند، شیوه ی خود را تغییر می دهند. در حال حاضر عده ی زیادی برای بسط آن مدل به آموزه های اسلامی توسل جسته اند که مصلحت اجتماعی یکی از دست آویز های مهم در این راستاست. روشن است که اداره ی جامعه و به سامان رساندن حکومت نیازمند ملاحظه ی مصالح اجتماعی در کشور است به همین دلیل، در نظام جمهوری اسلامی ایران، در کنار نهاد شورای نگهبان و قانونگذاری، مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز به دستور امام راحل (ره) تشکیل شد. کارایی مصلحت ها به خصوص مصلحت های اجرایی، کارآمد کردن حکومت دینی است. آنچه به این نکته اهمیت می بخشد این است که در بحث از مصلحت های اجتماعی، دغدغه ی مشروعیت به کیفیتی که در سایر ادله ی دینی وجود دارد، مورد نظر نیست و عده ای با عمومیت بخشی به پاره ای مصالح، ولو با تبلیغات نادرست، نگرانی متشرعین را رفع می کنند. بنابراین توجه به این مهم هم در کنار بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ضرورت دارد.

منابع و ماخذ

- ۱ - شهیدی، جعفر، (۱۳۸۶)، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲ - عبدالحسین زرین کوب و روزبه زرین کوب، (۱۳۸۷)، تاریخ ایران باستان: تاریخ سیاسی ساسانیان، تهران، انتشارات سمت.
- ۳- عالم زاده، هادی؛ سجادی، سید صادق، (۱۳۸۸)، تاریخنگاری در اسلام؛ تهران: انتشارات سمت.
- ۴ - قبال آشتیانی، عباس؛ عاقلی، باقر، (۱۳۸۶)، تاریخ ایران پس از اسلام: از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه، دوره پهلوی، تهران انتشارات نامک .
- ۵ - زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۸)، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۶ - آبراهامیان، یرواند، (۱۳۸۸)، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی؛ تهران: انتشارات نی.